

نقدی بر کتاب وفاداری و رهبری در جامعه اوایل دوره اسلامی و ترجمه‌های آن

پروین ترکمنی‌آذر*

چکیده

جامعه اسلامی در قرون سوم و چهارم هجری به علت تسلط آل بویه، حکومتگران ایرانی و شیعی بردستگاه خلافت عباسی سنی مذهب دارای اهمیت است و به همین علت مورد توجه ایران‌شناسان و اسلام‌شناسان قرار گرفته است. تحقیق در باره این دوره از تاریخ، نیاز به شناخت دقیق از جامعه اسلامی، جامعه ایرانی و همچنین دیدگاه‌های اهل تسنن و تشیع دارد. کتاب متحده با رویکردی به دو مولفه رهبری و وفاداری در جامعه اسلامی و با تأکید بر دوره آل بویه نگاشته شده است. اینکه نویسنده تا چه اندازه توانسته است فهم دقیقی از تاریخ و فرهنگ ایران و اسلام ارائه دهد و مترجمان در رفع کاستی‌های مولف موفق عمل کرده‌اند، سؤالاتی بوده که مقاله حاضر به روش تطبیقی درصدد نقد اثر و ترجمه‌های آن با دو رویکرد نقد درونی و بیرونی اقدام کرده است.

نتیجه نشان می‌دهد که اثر علی‌رغم دارا بودن نوآوری و خلاقیت در انتخاب بحث‌های اجتماعی، به علت عدم شناخت صحیح مولف از جامعه اسلامی و آداب و فرهنگ ایرانی، دچار اشکالاتی در فهم و انتقال آن شده است. در ضمن ترجمه اول، به علت هم‌خوانی مترجمان به لحاظ تخصص علمی، توانسته است، ترجمه قابل قبول‌تری ارائه کند.

کلیدواژه‌ها: نقد، وفاداری، رهبری، جامعه اسلامی قرن سوم و چهارم هجری، آل بویه.

*استاد پژوهشکده علوم تاریخی، پژوهشگاه علوم انسانی. ptorkamanyazar@gmail.com

تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۱/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۴/۱

۱. مقدمه

قرن سوم و چهارم هجری در شکل‌گیری فرهنگ و تمدن ایران اسلامی، جایگاه ویژه‌ای دارد. از این دوره با عباراتی، همچون دوره رنسانس اسلامی (متز، ۱۳۶۴)، عصر نوزایی اسلام (فرای، ۱۳۵۸) یا عصر زرین فرهنگ ایران (فرای، ۱۳۵۸) یاد شده است. در این دوره از تاریخ ایران، هر چند شاهد حکومت‌های متقارن در مناطقی از ایران زمین هستیم، ولی حکومت آل بویه با ویژگی‌های خاص، بزرگترین و مطرح‌ترین آنها است. تسلط بر بخش وسیعی از ایران و قلمرو اسلامی، تسلط بر بغداد و خلیفه، احیای آداب و رسوم ایرانی، پای بندی به سنت‌های ایرانی و داشتن مذهب شیعه از نوع زیدی و سپس اثنی عشری از جمله ویژگی‌های این حکومت است.

کتاب مورد ارزیابی با مشخصات (Loyalty and Leadership in an Early Islamic Society)، نوشته روی متحده می باشد. نویسنده ایرانی تبار، زاده و بزرگ شده آمریکا است و در حال حاضر استاد تاریخ و رئیس بخش علوم اسلامی دانشگاه هاروارد می باشد. او شرق شناس و ایران شناس است و بخصوص در باره آل بویه تحقیق کرده است. کتاب حاضر اولین بار در سال ۱۹۸۰م و چاپ دوم آن با تجدید نظری از سوی نویسنده در سال ۲۰۰۱ به چاپ رسیده است. محمد رضا مصباحی (مترجم) و علی یحیایی (پژوهشگر تاریخ آل بویه) در سال ۱۳۸۸ به ترجمه کتاب اقدام کرده اند. بار دیگر محمد دهقانی در سال ۱۳۹۴ ترجمه جدیدی از آن ارائه داده است.

نقد و ارزیابی یک اثر علمی، بخصوص تحقیق تاریخی، دارای ویژگی‌هایی خاصی است که آن را از نقد دیگر علوم متمایز می گرداند. در مقاله حاضر، اثر تحقیقی متحده با رویکردیبه صورت بیرونی و همچنین ساختار درونی و همچنین صورت بیرونی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

با توجه به این که نقد معطوف به اصلاح و بهبود است و موجب پویایی و توسعه دانش و اندیشه می شود، این مقاله در صدد است، با نقد یک متن تاریخی به حقایقی نسبی از دوره مورد نظر دست یافته و با اعتبار سنجی یک متن بر ارزش آن یا تحقیقات تاریخی دیگر بیفزاید و در صورت لزوم معیارها و راهکارهایی برای بهبود تحقیقات تاریخی ارائه گردد. نقد حاضر در مرحله اول در صدد دست یابی به مشکلات و آسیب‌های احتمالی یک تحقیق علمی است، ضمن آن که معطوف به اصلاح و بهره‌گیری بیشتر از آن نیز می باشد و در مرحله بعد به ارزیابی و مقایسه دو متن ترجمه شده از کتاب خواهد پرداخت.

۲. نقد بیرونی

در نقد اثر تاریخی برای ارزشگذاری بر ماهیت متن و برای رسیدن به صحت آن، یکی از مولفه‌ها، شناخت زیستگاه و جایگاه محقق یا نویسنده است. بدین منظور می‌باید رابطه متن با محقق به لحاظ زمان، مکان، محیط، تاریخ و جامعه و فرهنگ مورد بررسی قرار گیرد. این که احوال و افکار و عقاید و باورهای محقق تا چه اندازه در تبیین و تحلیل مطالب بر او تاثیر گذار بوده است.

پرداختن به تحقیق در باره دوره‌ها و موضوعات تاریخی مستلزم تسلطی چند است. هر چه محقق تاریخ به لحاظ زمانی، مکانی یا یکی از دو مولفه با موضوع مورد بحث نزدیکی داشته باشد، تبیین و تحلیل به حقیقت نزدیکتر می‌گردد. موضوع انتخاب شده در فاصله زمانی حدود ده قرن پیش از محقق رخ داده است و محل وقوع آن به لحاظ مکانی از زیستگاه محقق بعد مسافت دارد. به همین سبب، در عین آن که تحقیقات تاریخی صورت گرفته توسط غربیها به لحاظ روشمند بودن از امتیاز بالایی برخوردار است، ولی تفاوت فرهنگی می‌تواند، تفاوت فهم از رویدادها را موجب گردیده و دریافت و رسیدن به حقیقت وقایع را با مشکل رو به رو نماید.

بدین ترتیب تلاش محقق برای رسیدن به حقیقت نسبی می‌باید چندین برابر گردد. مسلماً می‌باید اطلاعات همه جانبه‌ای به لحاظ تاریخی، جامعه‌شناسی، معرفت دینی و فرهنگی جامعه اسلامی قرن سوم و چهارم هجری در کلیت و جامعه ایرانی دوره دوره آل بویه به صورت جزئی نگرانه توسط محقق کسب شود.

رسیدن به حقیقت نسبی در تاریخ نیاز به آگاهی و تسلط به موضوع دارد. امروزه هیچ یک از ما نمی‌تواند دوره آل بویه را مشاهده یا به تجربه در یابد و تنها مرجع رسیدن به حقیقت نسبی در باره دوره آل بویه یا جامعه اسلامی قرن چهارم و پنجم هجری، آشنایی با اسلام، جامعه اسلامی و همچنین جامعه ایران است که فقط از طریق منابع تاریخی امکانپذیر است. البته محقق تاریخ می‌باید با مطالعات جانبی برای رسیدن به حقیقت مورد نظرش تلاش نماید.

مولفه مهم دیگر اطلاعات و منابع خبری مورد استفاده محقق و میزان اعتبار آنها است و اینکه آیا او توانسته است بی طرفانه و البته آگاهانه از همه منابع استفاده کند. در بررسی متن تاریخی، استفاده محقق از منابع دست اول دارای اهمیت است و چون محقق انگلیسی زبان است، مسلماً سؤال بعدی این خواهد بود که آیا محقق به زبان اصلی متون تسلط کافی دارد و توانسته از منابع اولیه به زبان اصلی آن سود جوید یا از

ترجمه‌های آن به زبان انگلیسی استفاده کرده است. یک بحث علمی می‌باید ابتدا از منابع مورد استفاده شروع و پس از معرفی منابع اصلی به نقد آنها اقدام نماید. متحده این رویکرد را در مقدمه و در فصول مختلف کتابش نداشته است. تنها از طریق توضیحاتی که در پایان کتاب آمده مشخص می‌شود که نویسنده به منابع اولیه و به زبان اصلی آنها دسترسی داشته است، ولی از تحقیقات جدید در زمینه خلافت عباسی و حکومت آل بویه استفاده ننموده است.

مطلب دیگری که می‌باید در نقد بیرونی مورد توجه قرار گیرد، رعایت چهارچوبهای مربوط به یک تحقیق علمی است. آیا میان مطالب بررسی شده به لحاظ صوری توازن برقرار است؟ فصل بندیها با توجه به بررسی پیشینه موضوع، متن اصلی و نتیجه گیری در قالب یک تحقیق تاریخی صورت گرفته است؟ اینها سؤالاتی است که در ادامه سعی گردیده به آنها پاسخ داده شود. کتاب دارای مقدمه ای است که با عنوان فصل اول مشخص شده است، حدود ۵۰ صفحه. مقدمه شامل کلیاتی است برای ورود به بحث اصلی. فصل دوم با عنوان وفاداری اکتسابی حدود ۶۰ صفحه. در این فصل نویسنده به سوگند وفاداری میان خلفا و امرا، امیر و کارگزاران، کارگزاران مختلف، بخشندگی شاهانه و پیوند های برآمده از نعمت، بنده پروری و ویژگی وفاداری اکتسابی می‌پردازد. فصل سوم با عنوان وفاداری گروهی در ۷۰ صفحه. این فصل شامل مطالبی در باره ارزش فرد و گروه و تمایز مراتب اجتماعی، و برخی از گروههای اجتماعی از جمله دبیران، سپاهیان، رعیت، عیاران است. فصل آخر با عنوان عدالت، سلطنت و شکل جامعه در ۷ صفحه. همانطور که ملاحظه می‌شود نویسنده نتوانسته است نظم منطقی میان مقدمه و فصول به لحاظ موضوعی و حجم مطالب برقرار کند، ضمن آنکه متن فاقد نتیجه گیری است.

۳. نقد درونی

در این قسمت اشاره ای مختصر به دوره مورد بحث در چهارچوب محتوای موضوعی اثر تالیفی ضروری می‌نماید. متحده، نویسنده کتاب مورد بحث، به خوبی عوامل تاثیر گذار بر جامعه قرن سوم و چهارم هجری را در یافته و تاثیر آن را در ساختار سیاسی نیز لحاظ کرده است. در فصل وفاداری گروهی با دیدگاهی نو و خلاقانه به وفاداری‌های گروهی و تقسیمات جامعه و اوضاع آن پرداخته است. همچنین نقش

اعیان و مشایخ و بزرگان شهری در حوادث تاریخی و حمایت از مردم شهری بخوبی بررسی و بازگو شده است.

بعلاوه، نویسنده اوضاع طبقات اقتصادی، اداری و نظامی جامعه آل بویه را به خوبی و نو آورانه ترسیم نموده است. در توضیح از نسب و حسب توانسته نظرات خوبی با مصادیق تاریخی مناسبی، بخصوص درجا بجایی طبقات اجتماعی بر پایه حسب و نه نسب ارائه دهد. (Mottahedeh, 2001, p110)

با وجود برتریهای متن، به نظر می رسد مولف چند نکته را از نظر دور داشته است. همانطور که در مقدمه اشاره شد، تحقیق با رویکرد به دو مولفه وفاداری و رهبری در قرن سوم و چهارم و با تاکید بر حکومت آل بویه تدوین شده است. بدین ترتیب شناخت از جامعه اسلامی به لحاظ حضور قدرت خلیفه در دستگاه خلافت اسلامی مستقر در بغداد و جامعه ایرانی به لحاظ تسلط خاندان بویه بر خلیفه در این مقطع از تاریخ و همچنین استیلای آنان بر بخش بزرگی از قلمرو اسلامی، ضروری است. مسلماً آداب و فرهنگ و سنن حاکم بر جامعه اسلامی در قرن سوم و چهارم، تلفیقی از عرف، سنت و قواعد بر گرفته از اسلام، ایران و همچنین عرب می باشد. علاوه بر آن فرهنگ سیاسی اهل تسنن و تشیع نیز می باید در نظر گرفته شود. دستگاه خلافت تابع احکام و قواعد اهل تسنن و آل بویه مسلط بر دستگاه خلافت شیعه مذهب هستند و تعامل فقهای شیعی از جمله شیخ مفید، خاندان موسوی، شیخ رضی و شیخ مرتضی، شیخ طوسی با دربار حکومتگران بویی در روش و منش سیاسی- مذهبی جامعه اسلامی آن روزگار تاثیر گذار بوده است. درحالی که این دو مولفه در رابطه با رهبران و جامعه اسلامی و میزان سهم هر یک از فرق در تعریفها و مصادیق ارائه شده مشخص نگردیده است. در ضمن آن که آداب و سنتهای ایرانی نیز در محدوده مورد بحث لحاظ نشده است. از جمله یکی از عوامل مهم و اساسی در قوام و دوام حکومت آل بویه، پابندی آنان به سنت کدخدامنشی و به رسمیت شناختن جایگاه فرد بزرگتر خاندان و وفاداری و اطاعت از او بوده است. این سنت، سنتی نانوشته، ولی مورد پذیرش در میان خاندانهای بزرگ ایرانی، بخصوص خاندان آل بویه، در این برهه از زمان بود. این سنت و قاعده اجتماعی در ساختار سیاسی دوره آل بویه- به خصوص دوره اول- نمود بیشتری دارد. آنان با رعایت و پابندی به این سنت توانستند بر سه منطقه مهم جبال، فارس و بغداد تسلط یافته و به تثبیت قدرت خود بپردازند. پابندی آنان به این سنت تا آنجا بود که علی رغم تسلط معزالدوله بر بغداد و خلیفه، او خود را نایب برادر

بزرگتر، عمادالدوله می دانست. به طوری که بعد از تسلط بر بغداد و بصره به دیدار عمادالدوله رفت و بنا به گفته ابن اثیر « هنگام ملاقات زمین را بوسید و نزد او ایستاده بود تا امر به نشستن داد، ولی او نشست». (ابن اثیر، ۱۳۹۹/ق/۱۹۷۹م، ج ۸، ص ۴۶۹)

پس از مرگ عمادالدوله، رکن الدوله حفظ پیوند خویشاوندی و سیاسی را بر عهده گرفت. ابن جوزی می نویسد: او میان پسرانش «به عهد و میثاق پیوند کرد و به انواع نصیحت و تربیت فرمود به حسن ائتلاف و اجماع و فرمود که در رأی و تدبیر و موافقت و متابعت یکدیگر کلمه واحده باشند و از مخالفت و نفاق و شقاق و خلاف محترز و مجتنب». (ابن جوزی، ۱۴۱۵/ق/۱۹۹۰م، ج ۸، ص ۴۰۱) ابن اثیر نیز تاکید می کند که معزالدوله به هنگام مرگ، پسرش عزالدوله را سفارش به اطاعت از عمویش، رکن الدوله کرد و این که در امور با او مشورت نماید، همچنین از او خواست تا از پسر عمویش، عضدالدوله که بزرگتر از او بود، اطاعت نماید. (ابن اثیر، ۱۳۹۹/ق/۱۹۷۹م، ج ۸، ص ۵۷۶) به موجب همین سنت، لشکر کشی عضدالدوله به بغداد، به بهانه ضعف عزالدوله، موجب خشم پدرش، رکن الدوله شد. به طوری که برای جلب رضایت پدر بلافاصله از بغداد بازگشت. او ترس آن داشت که «در این حین پدرش از دنیا برود و شیرازه کشور بگسلد». (تجارب الامم، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۴۲۸) عضدالدوله همچنین مخارج مراسمی را در اصفهان متقبل شد تا بتواند به عام و خاص نشان دهد که عهد او و پدرش همچنان پا بر جاست. در این مراسم «رکن الدوله در نزدیکی شهر بر بالای تپه ای بایستاد تا عضدالدوله پیش او پیاده شده، چند بار زمین را بوسید، سپس به نزدیک آمده، دست پدر را بوسید». (همان، ص ۴۳۰) توجه داشته باشیم این زمان، عضدالدوله در اوج قدرت سیاسی و مالی بود، ولی اقتدار نفوذ رکن الدوله بر اساس سنت کدخدانمنشی، او را ملزم به این رفتار سیاسی می کرده است. به این سنت مهم که به طور مستقیم در ارتباط با موضوع بحث می باشد توجهی نشده است.

نویسنده به رقابت میان خاندانهای بزرگ توجه نکرده است. تاریخ این دوره نشان می دهد گروهی از متحدان سابق و سرداران سپاه علی رغم سوگند وفاداری، بارها علیه آل بویه دست به شورش زده اند، یعنی عدم پای بندی به سوگند وفاداری. مشکل شورش برخی از خاندانهای بزرگ دیلمی که قبلا در جایگاهی برتر از آل بویه یا همطراز با آنان قرار داشتند، تا دوره عضدالدوله که حکومتی متمرکز و مقتدر ایجاد کرد، از دلمشغولیهای خاندان بویه محسوب می شد. شورش فرماندهان دیلمی از جمله ینال

کوشه، گورگیر، اسپهدوست، روزبهان بن ونداد خورشید، بلکا و اسفار دو برادر دیگر روزبهان و البته پیوستن گروهی از دیلمیان بدانان را می‌توان ذکر کرد. به کارگیری اصطلاح "Acquired Loyalties" و ترجمه آن به وفاداری اکتسابی توسط مترجمان، معنا و فهم دقیقی از موضوع در ذهن متبادر نمی‌کند. این وفاداری اکتسابی در مقابل چه نوع وفاداری دیگر در نظر گرفته شده است، آیا وفاداری ذاتی هم داریم؟ وفاداری ناشی از علائق نژادی، پای بندی به عقاید یا باور و قراردادهای های اجتماعی شکل می‌گیرد یا نتیجه احساس و عواطف ناشی از وابستگی‌های نسبی و سببی می‌باشد. این فصل می‌توانست عنوانی گویاتر و مناسب با ادبیات دوره آل بویه داشته باشد، مثلا به جای وفاداری اکتسابی، از عبارت "پیمانها یا تعهدات الزام آور یا وفاداری بر پایه عرف جامعه یا الگوهای وفاداری و ..." استفاده می‌شد و برای انسجام بیشتر فصل، به انواع پیمانها، عهدها، میثاقها: عهد میان فرد با خدا، عهد میان مردم و خلیفه، عهد میان حکومت‌ها، همسایگان، عهد میان خلیفه و فرمانروایان، امیران یا سپاهیان و غیره ... تقسیم می‌شد.

استفاده از مصادیق تاریخی بیشتری برای تبیین مطالب و همچنین بحث در باره وفاداری و عوامل پیوند اجتماعی میان آل بویه و اقلیتهای مذهبی که بعضا جزو کارگزاران این حکومت نیز بودند، برغناى علمى تحقیق می‌افزود که بدان توجه نشده است.

دیگر آن که مطالعات و شناخت مختصر مولف در زمینه فقه سیاسی اسلام، بخصوص مذهب تشیع و جامعه اسلامی دوران خلافت و ساختار سیاسی آن موجب گردیده تا اطلاعات ناکافی و گاه نادرستی ارائه گردد که انتظار می‌رفت مترجمان با توضیحاتی در پاورقی به اصلاح اشکالات و توضیح کج فهمی‌ها و پالایش نادرستیها اقدام می‌کردند، این اتفاق گاه توسط مترجمان ترجمه اول صورت گرفته، ولی توضیحات مترجم ترجمه دوم محدود به تاریخ واقعه یا ذکر معادلهای انگلیسی در درون پرانتز است. برای نمونه به چند نکته اشاره می‌شود. مولف می‌نویسد: «از پنج رکن اسلام که اغلب ستونهای اصلی آن به شمار می‌آیند، چهار رکن کارهایی هستند که مسلمانان باید انجام دهند نه عقایدی که باید داشته باشند» (Mottahedeh, 2001, p20) توضیح آن که اگر مقصود مولف اصول دین میباشد، باید متذکر گردید: توحید و نبوت و معاد، به عنوان اصول دین اسلام، اعتقادی هستند و عدل و امامت، از ارکان مذهب تشیع، جنبه اعتقادی و عملی توأمان دارد و اگر مقصود مولف فروع دین است. این فروع در میان

اهل تسنن چهار است و در میان اهل تشیع ده. اهل سنت فروع را نماز و روزه و زکات و حج و اهل تشیع: نماز، روزه، حج، خمس، جهاد، زکات، امر به معروف، نهی از منکر، تولی و تبری ذکر می‌کنند. البته در چنین مواردی وظیفه مترجم است تا توضیح لازم برای تبیین صحیح موضوع را در پاورقی بدهد که این‌گونه عمل نشده است. در ترجمه اول، مترجمان متذکر شده اند «این نظر نویسنده است در حالی که احادیثی در دست است مانند: الاعمال بالنیات که باورمندی را شرط قرار می‌دهد» (متحده، ۱۳۸۸، ص ۵۰) هر چند این توضیح کافی نیست، ولی در ترجمه دوم هیچ توضیحی داده نشده است.

علاوه بر آن بررسی دیدگاه‌های مولف نشان می‌دهد که شناخت نویسنده بیشتر متکی به مذهب تسنن است نه تشیع. در حالی که تشیع یکی از عوامل موثر و مطرح در جامعه دوره مورد بحث می‌باشد.

امام - خلیفه، اصطلاحی که مولف در مورد خلیفه به کار می‌برد. (Motthede, 2001, p26) چرا از عبارت امام - خلیفه استفاده شده است. در فهم اهل تسنن، امامت در داخل معنای خلیفه، مستتر می‌باشد و در تشیع، امام برای فردی که قدرت معنوی و دنیوی را به نص در اختیار دارد، اطلاق می‌شود. پس عبارت امام - خلیفه دلالت بر یک ویژگی دارد و به کارگیری هر کدام به تنهایی کفایت می‌کند. مثل اینکه بگوییم شاه - حاکم. اگر در متونی با عبارت نبی - حاکم یا فیلسوف - حاکم رو به رو می‌شویم، مقصود جمع دو ویژگی در یک فرد است.

متحده به خطبه غدیر و حدیث ثقلین اشاره می‌کند. او می‌نویسد: «خدا دو پناهگاه به جهان داده است: کتابش (قرآن) و سنت، یعنی راه و رسم پیامبرش» (Motthede, 2001, p8) سپس در چند صفحه بعد به پناهگاه سومی که خاندان پیامبر است، اشاره می‌کند. (Ibid, p11) بحث و توضیح بیشتر در باره خطبه غدیر و حدیث ثقلین که در تشیع، برای تبیین ساختار سیاسی جامعه اسلامی بعد از پیامبر و چگونگی تعیین جانشینی ایشان، همچنین ادامه روند جامعه اسلامی بر مدار ولایت اولوالامر ضروری می‌باشد. انتظار می‌رفت مترجمان با مراجعه به ترجمه و تفسیر صحیح آیه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (سوره نساء، آیه ۵۹) و با استناد به منابع اهل تشیع و تسنن، در رفع شبهات اقدام می‌نمودند. بخصوص متن در باره دوره زمانی نوشته شده که قدرت معنوی خلافت سنی و حاکمان شیعه مذهب

مسلط بر خلیفه، توأمان حضور دارند، در حالی که بحث بدون توضیحات به پایان رسیده است.

همچنین نویسنده تفاوتی میان علویان و اهل بیت پیامبر قایل نشده است و حال آنکه اهل بیت پیامبر یعنی فرزندان علی(ع) از فاطمه(س) و علویان شامل همه فرزندان علی(ع) و اخلاف آنان می شود. این امر می باید تبیین و توضیح داده می شد. مطالبی نیز به جامعه و اوضاع سیاسی و آداب و رسوم زمان آل بویه مربوط می شود که می بایست با دقت بیشتری مورد بررسی قرار می گرفت. از جمله تغییر در وفاداری سپاهیان نسبت به خاندان بویه، با ورود رسمی جدید- شاید برگرفته از رسوم سپاه ترک یا عربها- با عنوان رسم البیعه. (Motthede, 2001, p52) این سوگند که در ازای دریافت وجه صورت می گرفت و نه ایمان یا باور قلبی، هیچگاه به لحاظ استحکام نمی توانست با سوگند وفاداری واقعی قابل قیاس باشد، زیرا در هر زمان ممکن بود شخص سوگند خورنده در ازای وجه بیشتر سوگند خود را به فرد دیگری تغییر دهد و نمی تواند ملاک و معیار وفاداری شناخته شود و حال آنکه در تقسیمات فصل دوم به عنوان بخشی از وفاداری اکتسابی مورد بررسی قرار گرفته است.

همچنین مولف در ادامه بحث مربوط به وفاداریهای اکتسابی، از عملکرد مزدوران دیلمی (Ibid, pp79-80) صحبت می کند که وفاداری آنان بستگی به مبلغی داشت که بدانها پرداخت می شد. هر فرمانده که مبلغ بیشتری می پرداخت به او وفادار می ماندند. این وفاداری نیست، مزدوری است. وفاداری با تغییر شرایط نباید تغییر نماید. وفاداری با یک ارزش معنوی همراه است و به باور و ایمانی قلبی نیاز دارد که با پول و منصب قابل خریداری نیست.

۴. نقدی بر ترجمه کتاب

در یک کتاب ترجمه ای علاوه بر بررسی و نقد محتوایی کتاب، می باید متن ترجمه شده نیز مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد. مترجم یا مترجمان یک متن علمی می باید چندین تخصص توأمان داشته باشد. تسلط کامل به زبان و ادبیات و دستور زبان مبداء و مقصد و مهمتر آن که متخصص در موضوع و رشته مربوطه باشند. به علاوه در متن تاریخی با اصطلاحات، واژه ها، فرهنگ و آداب و مذهب و اوضاع سیاسی و اجتماعی و فرهنگی سوژه آشنایی کامل داشته باشند. تسلط مترجمان به موضوع، کاستیهای محقق را جبران می نماید و توضیح اشکالات ناشی از فهم نادرست محقق از جامعه دوره

مورد بحث، موجب می‌گردد تا متن قابل قبولتر و قابل فهم تری برای خواننده مقصد فراهم آید.

حال با عنایت به این که ترجمه اول کتاب توسط دو مترجم، یکی با تخصص مترجم انگلیسی و دیگری با عنوان پژوهشگر تاریخ آل بویه و ترجمه دوم، توسط متخصص زبان و ادبیات فارسی صورت گرفته، به مطالبی در رابطه با ترجمه کتاب می‌پردازیم. عنوان اصلی کتاب (Loyalty and Leadership in an Early Islamic Society) است. ترجمه اول عنوان اوضاع اجتماعی آل بویه: وفاداری و رهبری در جامعه اسلامی سده های نخستین را برگزیده البته با بزرگنمایی در عبارت آل بویه و ترجمه دوم "تاریخ اجتماعی ایران در عصر آل بویه" را عنوان اصلی قرار داده است. تعیین این عناوین ایجاد اشکال کرده است، زیرا اولاً قلمرو زمانی بحث در قرن چهارم و پنجم هجری و قلمرو مکانی آن قلمرو جامعه اسلامی است نه حکومت آل بویه. هر چند آل بویه در این زمان بر خلافت عباسی تسلط یافته بود، ولی برخی از قلمرو خلافت، بخصوص بخشهای غربی هیچگاه قلمرو آل بویه به شمار نرفته است. ثانياً با تاکید عنوان بر آل بویه، انتظار خواننده بررسی مولفه های وفاداری و رهبری در جامعه اسلامی خواهد بود که بر بررسی آن دو مولفه در جامعه ای که آل بویه از آن برخاسته و شاخصه هایی که آل بویه بدان پای بند بوده است، تاکید داشته باشد. حال آنکه نویسنده بر جامعه اسلامی با تاکید بر رهبری خلافت و خلیفه در ساختار خلافت نظر دارد.

دیگر آن که از مهارتهای ترجمه، به کارگیری اصطلاحات زبان مقصد به جای معادل‌های زبان مبدا است و در تحقیقات تاریخی استفاده از اصطلاحات زبانی و ادبیات دوره مورد بحث ضروری است. زبان فارسی در درازای تاریخ ایران، دچار تحولاتی شده است. از آنجا که اصطلاحات در زبان فارسی کاربرد خاص خود را دارد، آشنایی مترجم با اصطلاحات روزگار مورد بحث (قرن چهارم و پنجم هجری) می‌توانست ترجمه ای درست و آشنا و منطبق با متون دوره مورد بحث را ارائه دهد. متأسفانه ترجمه اصطلاحات، بخصوص در ترجمه دوم، با استفاده از واژه هایی نا مانوس صورت گرفته است. برای مثال در فارسی رابطه خویشاوندی با اصطلاح نسبی یا سببی بیان می‌گردد نه زوجی و اکتسابی. (به نگاه کنید به متحده، ۱۳۹۴، پیشگفتار مولف)

دیگر ترجمه های تحت اللفظی از اصطلاحاتی که با ادبیات فارسی و ادبیات دوره آل بویه مطابقت ندارد. از جمله آدماهای جامعه به جای "افراد جامعه" (همان، ص ۱۷)؛ به کار بردن اصطلاح قرون وسطا (همان، ص ۲۰) به جای قرون میانه. توضیح آنکه در ایران

دوره میانه با ویژگیهای قرون وسطی در اروپا مطابقت ندارد. استفاده از عبارت غیب شده در باره امامزمان(ع) به جای غیبت کرده. (همان، ص ۳۰) کردار واقعی حکومت به جای عملکرد حکومت. (همان، ص ۴۲) خود داری از سمت به جای کناره گیری از سمت. (همان، ص ۱۷۰) در فصل وفاداری گروهی، عنوان فرقه ها به جای اصناف و پیشه وران. (همان، ص ۱۷۶) توضیح آن که فرقه ها هویت مذهبی دارند. و در عنوانی دیگر جنس به جای نژاد(همان، ص ۱۸۵) و ...

همچنین در ترجمه دوم اشاره شده است: «فرمانروا نماد مجسم وحدت امت اسلامی بود». (همان، ص ۳۳) در متن اصلی نویسنده از واژه "خلیفه" استفاده کرده است نه "فرمانروا". در هیچ متن تاریخی از خلیفه با عنوان فرمانروا یاد نشده است. بخصوص این که به موازات قدرت معنوی خلیفه، بخصوص از قرن دوم فرمانروایان محلی با قدرت دنیوی که اغلب از طرف خلیفه به آنان تفویض می شد، حکومت مناطق مختلف را بر عهده داشتند. به کار گیری واژه فرمانروا آنهم به عنوان نماد مجسم وحدت جامعه اسلامی، اشتباه فاحشی است. (ترجمه دهقانی، ۱۳۹۴)

باید یاد آور شد که قدرت دنیوی و معنوی که در ابتدای دوره عباسی از آن یک نفر، خلیفه، بود. بتدریج با تشکیل حکومتهای مستقل و به ظاهر نیمه مستقل در قلمرو اسلامی خلیفه را به تفویض قدرت دنیوی وا داشت. (نگاه کنید به ماوردی، ۱۳۸۳، باب دوم، صص ۵۳-۶۸) ولی از نظر جهان اسلام خلیفه همچنان قدرت معنوی را دارا بود. او فرمان حکومتی برای فرمانروایان می فرستاد و به حکومت آنان اعتبار می بخشید، حتی زمانی که حکومتها به استیلا یا تغلب به دست می آمد. حق انتخاب قاضی القضاات و مقامات معنوی نیز از حقوق مسلم خلیفه به شمار می آمد.

دیگر آن که در ترجمه دوم اشاره شده است «خلیفه عباسی برای یک ولایت همزمان به دو فرمانروا منشور حکومت نمی داد». (متحده، ۱۳۹۴، ص ۷۶) در حالی که خلیفه المعزز، فرمان حکومت کرمان را همزمان برای یعقوب لیث صفاری و علی بن حسین بن شبلی صادر کرد. (یعقوبی، تاریخ الیعقوبی، بی تا، ج ۲، بیروت، دار صادر، ص ۴۹۵) همچنین خلیفه معتضد بنا به درخواست عمرو لیث صفاری فرمان حکومت ماوراءالنهر را برای او صادر نمود و همزمان برای اسماعیل سامانی نوشت: «ما ترا از حکومت ماوراءالنهر عزل نکرده ایم». (گردیزی، ابوسعید عبدالحی بن الضحاک بن محمود، زین الاخبار، ۱۳۴۷، به مقابله و تصحیح و تحشیه و تعلیق عبدالحی حبیبی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ص ۱۴۴) این نیز نمونه دیگری از ترجمه عجولانه مترجم و همچنین

دلیلی بر عدم اطلاع کافی مترجم از وقایع تاریخی است، زیرا منظور مولف این بوده که «در این مقطع از تاریخ، خلیفه قدرت سابق را نداشت تا همزمان برای یک منطقه به دو حکمران فرمان صادر نماید تا فرد متمرّد را توسط آن دیگری از میان بردارد». این جمله در ترجمه دوم به درستی برگردانده شده است. (متحد، ۱۳۸۸، ص ۷۱)

چه ضرورتی داشت ترجمه ای مجدد از کتابی صورت گیرد که به مراتب با اغلاط املائی و گرامری، عدم فهم صحیح از متن اصلی، بدون هیچگونه تلاش برای بهبود متن اصلی و حداقل انتقال صحیح متن به خواننده و بعضاً به کارگیری جملات نامفهوم، برای نمونه بگاہ کنید به متحد، ۱۳۹۴، صص ۷-۸-۱۱-۱۳ و... همراه باشد. ترجمه اول با توجه به توضیحاتی که در صفحات پیشین ذکر شد، به لحاظ درک مفاهیم و هم به لحاظ توضیحات و روانی جملات قابل قبولتر می باشد که مسلماً علت آن همخوانی تخصص مترجمان با موضوع ترجمه می باشد و همین امر بر غنا و اعتبار علمی ترجمه اول کتاب افزوده است.

۵. نتیجه گیری

متحد، مولف کتاب مورد بحث، در صدد بوده تا به مدیریت جامعه ای اشاره کند که در آن روابط اجتماعی درون گروهی و رابطه مردم با حکومت بر پایه عملی غیر رسمی، سنت یا سوگند یا تعهدات الزام آور بر پایه عرف یا قواعد اجتماعی نانوشته تعریف می شده است و بدین ترتیب تاثیر منشهای اجتماعی را در ساختارهای سیاسی جامعه بررسی می نماید.

نقد حاضر نشان داد که داشتن اشتراکات فرهنگی، اعتقادات دینی، و آشنایی مولف با مولفه های مختلف فرهنگی و اجتماعی دوره زمانی و جامعه مورد نظر محقق می تواند در جامعیت بخشیدن به تحقیق شرایط بهتری را فراهم نماید. این اشکال به طور محسوس، بخصوص در فهم از اسلام، احکام سیاسی اهل تسنن و شیعی و شناخت از جامعه دوره آل بویه دیده می شود. از جمله (۱) عدم تفکیک دیدگاههای اهل تسنن و تشیع، بخصوص در زمینه رهبری و ارائه تفسیرهای دو مذهب مذکور از حدیث تقلین یا بحث از ارکان اسلام و (۲) علی رغم تاکید بر تسلط آل بویه ایرانی و شیعه مذهب بر دستگاه خلافت، آداب و سنتهای وفاداری در جامعه ایرانی، بخصوص دیلمیان که آل بویه برخاسته از آن است، از جمله سنت کدخدامنشی که الزام به وفاداری اعضای خاندان از فرد بزرگتر خاندان دارد، نادیده گرفته شده است.

البته ترجمه متن توسط فرد یا افرادی مسلط و متخصص در تاریخ آل بویه و خلافت عباسی می توانست با توضیحات تکمیلی، به رفع اشکالات ناشی از فهم نادرست و ناکافی مولف کمک نموده و بر غنای علمی کتاب بیفزاید. بررسی و مقایسه تطبیقی دو ترجمه به این نتیجه انجامید که ترجمه اول به لحاظ همخوانی تخصص مترجمان با مولف، تخصص آنان در تاریخ آل بویه و بالطبع تسلط نسبت به واژه های ادبی، فرهنگی، اوضاع اجتماعی و سیاسی دستگاه خلافت و حکومتگران آل بویه افزودن توضیحاتی هر چند ناقص، متنی نسبتاً قابل قبولتر ارائه داده و همین امر، انجام ترجمه دوم را با سؤال چرایی ضرورت آن رو به رو می کند.

کتابنامه

ابن اثیر، عزالدین ابی الحسن علی بن ابی الکریم... (۱۳۹۹ق/۱۹۷۹م)، *الکامل فی التاریخ*، ج ۸، بیروت: دار صادر.

ابن جوزی، جمال الدین ابی الفرج عبدالرحمن بن علی، (۱۴۱۵ق/۱۹۹۰م)، *المنتظم فی تواریخ الملوک و الامم*، ج ۸، حقه و قدم سهیل زکار، بیروت: دارالفکر.

ابن مسکویه رازی، (۱۳۷۶)، *تجارب الامم*، ترجمه علینقی منزوی، ج ۶، تهران: توس فرای، ریچارد ن، (۱۳۵۸)، *عصر زرین فرهنگ ایران*، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: سروش. کرم، جوئل. ل. (۱۳۷۵)، *احیای فرهنگی در عهد آل بویه: انسان گرایی در عصر رنسانس اسلامی*، ترجمه محمد سعید حنایی کاشانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

گردیزی، ابوسعید عبدالحی بن الضحاک بن محمود، (۱۳۴۷)، *زین الاخبار*، به مقابله و تصحیح و تحشیه و تعلیق عبدالحی حبیبی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

ماوردی، ابوالحسن علی بن محمد بن حبیب، (۱۳۸۳)، *آئین حکمرانی*، ترجمه و تحقیق حسین صابری، تهران: علمی و فرهنگی.

متحده، روی پرویز، (۱۳۸۸)، *اوضاع اجتماعی در دوره آل بویه: وفاداری و رهبری در جامعه اسلامی سده های نخستین*، ترجمه محمد رضا مصباحی و علی یحییایی، مشهد: خانه آبی.

متحده، روی، (۱۳۹۴)، *تاریخ اجتماعی ایران در عصر آل بویه: وفاداری و رهبری در ادوار آغازین جامعه اسلامی*، ترجمه محمد دهقانی، تهران: نشر نامک.

متز، آدام، (۱۳۶۴)، *تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری (رنسانس اسلامی)*، ترجمه علیرضا ذکاوتی قره گزلو، ج ۲، تهران: امیرکبیر.

یعقوبی، (بی تا)، *تاریخ یعقوبی*، ج ۲، بیروت: دار صادر

Roy p. Mottahedeh, *Loyalty and Leadership in an Early Islamic Society*, I.B. Tauris & Publishers London, 200.